

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نامبر: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹
تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز
تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: مصیم
تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه ۱۶ شهریور ۱۴۰۱ • ۱۰ صفر ۱۴۴۴ • ۷ سپتامبر ۲۰۲۲ • سال بیستم • شماره ۴۳۶۹ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۲ • اذان مغرب ۱۹:۴۲

اذان صبح فردا ۵:۱۵ • طلوع آفتاب ۶:۴۱

شرق

دیالوگ روز

شکار - توماس وینتربرگ - ۲۰۱۲

برون (مدس میکلسن): «بچه‌ها اغلب از خودشون به جزئیاتی رو سر هم می‌کنن که در واقعیت وجود ندارن.

نمی‌دونم این به دلیل تخلیلتشونه یا اینکه حرفای دوستان و والدیشون رو تکرار می‌کنن.

همیشه فرض بر اینکه که بچه‌ها دروغ نمی‌کنن اما متأسفانه اونا اغلب دروغ می‌کن.

نقد هفته

وجهی نادر از یک تقابل تاریخی



بدیهی است که جایگاه تمام اعضای کادر بیمارستانی اعم از پزشک و غیرپزشک در ارائه خدمات درمانی مقدس و محترم است و بازم هم بدیهی است که در صورت نبود پرسنل کارآمد هیچ گروه پزشکی یا پیراپزشکی هرچقدر هم باسواد در درمان بیماران راه به جایی نمی‌برد. اما بر این رابطه تنگاتنگ میان اعضای مختلف کادر درمان چالش‌هایی هم مرتب است. دو سوال قیل یک مقاله روسی به بررسی رابطه بین اعضای مختلف پرسنل چند بیمارستان پرداخت. نویسندگان این مقاله بر این باور بودند که مناقشه اصلی در بین اعضای شاغل در یک مرکز درمانی مربوط به تقابل پزشکان با سایر اعضاست. به عبارتی در یک جبهه پزشکان قرار می‌گیرند و در جبهه دیگر اعضای واحد اداری و پرسنل خدماتی. این تقابل خاموش و سرد به‌عنوان یک آفت برای ارائه خدمات مناسب به بیماران معرفی شده و تقابل آنها با نام «تقابل تاریخی» در مقاله مزبور آورده شده‌است. علت اصلی ناراضیاتی اعضای غیرپزشک از پزشکان این موارد گزارش شده: رفتار نامناسب پزشکان توأم با غرور به علت مدرک تحصیلی بالاتر و اختلاف طبقاتی بالا بین پزشکان و سایر کادر درمان از نظر درآمدی که موجب بی‌انگیزگی سایر اعضای شاغل در بیمارستان می‌شود. در کشور ما برای تازه‌واردهای کادر درمان به نظر این تقابل برای همیشه ریشه‌کن شده‌است. در یک نگاه اجمالی به وضعیت درآمدی پرسنل مختلف بیمارستانی، متوجه می‌شویم که درحال حاضر درآمد مستقیم و غیرمستقیم اعضای غیرپزشک بیمارستان لزوما کمتر از درآمد قانونی (و با تأکید قانونی) بسیاری از پزشکان شاغل در همان بیمارستان نیست. بنابراین نگاه مغرورانه سابق پزشکان به سایر اعضا کادر درمان الان در بعضی مراکز جای خود را داده به یک نگاه تحقیرانگیز از طرف سایر اعضا به پزشکان جوان که البته با درونمایه این ترحم اتفاق فضای حاکم بر بیمارستان دوستانه‌تر و آرام‌تر شده‌است. خاطرم هست یکی از همکاران پذیرش آخر درمانگاه به پزشک همان درمانگاه می‌گفت: «امردی اگر پول خواستی نکي بپم!» از طرفی فاصله علمی-مدرکی سابق هم بین اعضای کادر درمان چندان ملموس نیست؛ چراکه با افزایش ظرفیت پزشکی و تنوع روزافزون سهمیه‌ها، برای پزشک شدن فقط صرف فعل خواستن کافی نیست؛ خواستم، خواستی، شواست… شاید زمانی این جمله که «خودم نخواستم پزشک بشم» کمی شک‌برانگیز بود اما تا چند سال آینده مطمئن باشید هر فردی پزشک نیست، خودش نخواسته پزشک شود. پس دیگر دلیلی برای غرور و نگاه بالا به پایین هم وجود ندارد. البته متأسفانه در بعضی موارد زیاده‌روی صورت گرفته و از آن سمت پام می‌افتیم؛ یعنی نگاه بالا به پایین پرسنل به پزشکان دردمرسان هم می‌شود. مثلا پرسنل اداری بیمارستان به پزشک طرحی که دو ماه حقوق نگرفته و پیگیر علت شده‌است، می‌گوید «دکتر برای ۹ تومن کچلمون کردی!!» یا طبق گزارش‌های دریافتی شماره همراه تعدادی از پزشکان از طرف کادر اداری دانشگاه‌ها پلاک شده‌اند تا برای چند میلیون کارانه این‌قدر مزاحم مسئولان دانشگاه نشنوند! به‌رحال درست و غلطش مهم نیست، چون تغییرش ممکن نیست. اما رابطه با همکاران بیشتر از آنکه مبتنی بر مرادوات شغلی باشد، بر پایه وجود تربیت و تعلیم مناسب است که آن‌هم تابع قانون صفر و یک است؛ یا هست یا نیست.

امسال سیستم زرزو بلیت چنگی به دل نمی‌زند؛ زیرا با داشتن کارت جشنواره هرکسی جداگانه صبح زود باید حول‌وحوش ساعت ۳:۳۰ برای زرزوکردن بلیت‌ها تلاش کند تا شانس دیدن فیلم‌های نام‌آوران جهان سینما را که تعدادشان در این دوره کم نیستند، از دست ندهد! البته این به آن معنا نیست که کارگردانی یا بازیگران شهرم همیشه فیلم‌های موفق و مؤثر در کارنامه دارند؛ گاه تماشاجیان با آثار ضعیفی مواجه می‌شوند که ایده‌هایی تکراری و ناپخته دارند که حتی بهترین بازیگران و فیلم‌برداران نیز نمی‌توانند این فیلم‌ها را نجات دهند. البته نباید تعجب کرد که بعضی از همین فیلم‌ها مورد تقدیر و توجه ویژه قرار می‌گیرند که انتخاب‌نشدن آنها بستگی به جدیت، دانش و توانایی تیم‌های داوری جشنواره‌ها دارد.

جشنواره فیلم ونیز در جزیره کوچکی به نام «لیدو - Lido» که در همسایگی ونیز است، برپا می‌شود. بافت و معماری این جزیره مدرن‌تر از جاهای دیگر منطقه است؛ از این‌رو سالن‌های سینما در این جزیره کوچک کنار هم قرار گرفته‌اند. هرکسی از هرجا هوس دیدن فیلمی به سرش بزند، یا باید سوار کشتی‌های کوچک مخصوص مسافربری شود یا مجبور به گرفتن «قایق-تاکسی» است که هزینه پرداخت آن برای همگان مقدور نیست! تصور دیدن فیلمی در آخر هفته که اغلب از ساعت هشت شروع می‌شوند، منوط به بیدارشدن صبح زود است وگرنه باید مکانی در خود لیدو زرزو کرد که این روزها قیمت‌ها به‌طور عجیبی سر به فلک کشیده‌است.

سینمای ایران همان‌طوری که گفته شد، امسال با فیلم‌های

«خرس نیست» آخرین ساخته «جعفر بناهی» که خود پیش از

این با فیلم «دایره» که بار برنده شیر طلایی ونیز شد، حضور

دارد.

«شب، داخلی، دیوار»، به کارگردانی «وحید جلیلود» که او نیز با فیلم قبلی‌اش «بدون تاریخ بدون امضا» در بخش اقق‌های ونیز برنده جایزه کارگردانی شد، حالا نامزد گرفتن شیر طلایی جشنواره است.

«جنگ جهانی سوم» آخرین ساخته «هومن سیدی» در بخش اقق‌ها و «بی‌رؤیا» ساخته «آرین وزیردقتری» که در جشنواره فجر برنده بهترین بازیگری زن شد، در بخش «اقق‌های اکسترا» حضور دارند. فیلم «تنها» ساخته «جعفر نجفی» در بخش نمایش‌های ویژه حضور دارد.

اما فیلم «نویز سفید» آخرین ساخته «نوآ بامباک» در برنامه افتتاحیه درخشش نسبی داشت. بخش عمده‌ای از مخاطبان

شیرهای ۹۰ساله ونیز

امسال یکی از هیجان‌انگیزترین دوره‌های جشنواره فیلم ونیز به‌شمار می‌آید؛ جدا از اینکه حضور پررنگ سینمای ایران در بخش‌های مختلف جشنواره به چشم می‌خورد تا جایی که «لیلا حاتمی» نیز به‌عنوان یکی از داوران بخش اصلی ونیز برای قضاوت و اهدای شیر طلایی انتخاب شده‌است. تماشای فیلم‌ها نیز بدون ماسک احساس راهایی از کنترل‌های شدید را به مخاطب می‌دهد، اما هراس انتشار آن بخش عمده‌ای از تماشاچیان را ماسک‌دار کرده‌است. در ونیز هنوز داشتن ماسک در کشتی‌های مسافربری و حمل‌ونقل شهری اجباری است!

جدی سینما هم‌نظر هستند که فیلم‌های افتتاحیه جشنواره‌ها اصولاً قدرت تأثیرگذاری لازم را ندارند، این فیلم با توجه به ستارگانی مانند «گرتا کروپ» و «آدام درایو» توانست نظر کارشناسان و منتقدان سینمایی را به خود خیلی جلب کند اما روز بعد کارگردان شهیر «مکزیکو-آمریکایی» که دو بار متوالی برنده جایزه اسکار بهترین کارگردانی برای فیلم‌های «بردم» و «بازگشته» شد، یعنی «آلخندرو ایناریتو»، با فیلم باردو (یا وقایع‌نگاری نادرست یک مشت حقیقت) نفس تازه‌ای به جشنواره داد؛ فیلم به نحوی اتوبیوگرافی این کارگردان و دغدغه‌های او نسبت به اصالت مکزیکویی‌اش است که در زیرمتن آن چالش و دیدگاه او نسبت به مهاجرت و مجهول‌بودن وطن واقعی و نوستالژی که به فرهنگ و نقد سیاست‌های مکزیکو و ایالت متحده آمریکا دارد، به چشم می‌خورد. او که پیش از این در سال ۲۰۱۷ با فیلم «روما» برنده شیر طلایی ونیز شد، این‌بار نیز با همکاری «تفلیکس» توانست نسبت به فیلم قبلی‌اش بهتر ظاهر شود. فیلم از بیان تصویری و رنگ‌و‌علاّب خوبی در صحنه‌پردازی به‌ویژه جلوه‌های ویژه برخوردار است اما همچنان فیلمی نیست که بتواند فروغ فیلم‌های «عشق



به عقیده نویسنده، ما در عصر اشیا زندگی می‌کنیم؛ زیرا رابطه مصرف‌کننده با شیء تغییر کرده‌است. مصرف بر تمام وجوه زندگی ما چنگ انداخته‌است. بدیهی است که جامعه امروزی با این مصرف صعودی و در اختیار داشتن هرچه بیشتر کالاها و امکانات راهای فردی و جمعی دستخوش آسیب‌های متعددی خواهد شد، ازجمله آلودگی صوتی، آلودگی آب و هوا، ویرانی مناظر، آسیب‌های فرهنگی و …

نمی‌توان جامعه مصرفی را بدون در نظر گرفتن نظریه مصرف مورد بررسی قرار داد، از همین رو در فصل دوم به این مورد پرداخته شده‌است. در دنیای مدرن، تعریف نیاز، تغییر شکل پیدا کرده و بسیاری برای رفع نیاز مصرف نمی‌کنند، بلکه برای لذت از فراوانی مصرف می‌کنند. به گونه‌ای که در حال حاضر مفهوم نیاز و مصرف با مفهوم رفاه و خوشبختی گره خورده‌است. زیاده‌روی در مصرف شکاف‌ها را آشکارتر می‌کند؛ این دقیقاً همان چیزی است که در اختلاف طبقاتی شاهد آن هستیم؛ اثبات خود از طریق اشیا و مصرف بی‌تغای هر آنچه که حتی نیازی به آن نداریم، برای رسیدن به طبقه اجتماعی بالاتر. در ادامه برای درک بهتر نظریه مصرف، به کالبدشکافی انسان اقتصادی می‌پردازد تا



• شهرستان مرزی و ترکمن‌نشین راز و جرگلان با فرهنگ‌های مختلف و مناظر طبیعی دیدنی و تاریخی کهن در استان خراسان شمالی قرار دارد. از دیگر اقوام این شهرستان می‌توان به رازی‌ها، ترک‌ها، کردها و تاک‌ها اشاره کرد
عکس: فائزه کابلی، باشگاه خبرنگاران جوان

سفید خواهد شد. در سکانسی از فیلم، وقتی این توجه برای اولین بار به او می‌شود، می‌بینیم مشتاقانه و بدون کمک‌گرفتن از کسی روی پاهایش می‌ایستد، کاری که هیچ‌گاه نمی‌توانست انجام دهد؛ زیرا فقط یک نفر در انتها به ندا و حرف‌های درون او گوش می‌دهد. آرنوفسکی با این فیلم دوباره نشان داد که همچنان یکی از کارگردانان تأثیرگذار سینمای امروز جهان به‌شمار می‌آید.

«آتنسا» به کارگردانی «رومن گواراس» یک کپی ناپخته از فیلم تأثیرگذار «بینوایان» ساخته «لآج لی» است که فقط از فیلم‌برداری و جلوه‌های ویژه بهتری برخوردار است اما در کارگردانی و بازیگری اثری قابل قبول به نظر نمی‌رسد.

«فردریک وایزمن» مستندساز سسالخورده و شهرم آمریکایی

که پای ثابت جشنواره‌های مختلف به‌ویژه ونیز است، خالق آثاری چون دبیرستان، موشک، نگارخانه ملی و کتابخانه عمومی نیویورک است. او نوعی از سینمای مستقیم و

مشاهده‌گر را دنبال می‌کند و در مستندسازی یکی از بزرگان این ژانر است که یک اسکار افتخاری نیز در کارنامه دارد و با فیلم یک‌ساعته «یک زوج» یا به بخش رقابت اصلی گذاشته‌است. این فیلم مونولوگی با بازی «تالی بوئتو- سوفیا همسر تولستوی» دارد و نامه‌هایی را که برای یکدیگر می‌نوشتند، بیان می‌کند. نگاه و دیدگاهی که «وایزمن» از تأثیرپذیری درتجه خاطرات تولستوی گرفته، در این فیلم تبدیل به اثری تخت و مونولوگی لطیف شده‌است که در رقابت با سایر آثار حرف تازه‌ای برای گفتن ندارد. «مارتین مک‌دوناه» نمایش‌نامه‌نویس و فیلم‌ساز انگلیسی که اصالتی ایرلندی دارد و اجرای نمایش نامه «مرد بالشی» او توسط «محمد یعقوبی» سال‌ها پیش معرف خاطر مخاطبان تئاتر است، امسال با فیلم «ارواح اینشرین» در جشنواره ونیز حضور دارد. او دارای جوایز متعددی از جشنواره‌های بزرگ جهانی مانند اسکار و بغلاتس و یکی از نویسندگان زنده معروف جهان به‌شمار می‌رود. در سال ۲۰۰۸

با فیلم «در بروز» و همکاری با دو بازیگر توانا چون «کالین فارل» و «برندان گلیسون» بر سر زبان‌ها افتاد و در سال ۲۰۱۷ در جشنواره ونیز نام او به‌عنوان یک کارگردان تأثیرگذار با فیلم «سه بیلبورد خارج از ایننگ» میزوری» در جهان سینما تثبیت شد؛ این فیلم برنده دو جایزه بازیگری اسکار نیز شد. در فیلم جدید او، «ارواح اینشرین»، همان دو بازیگر فارل و کلیسون حضور دارند. فیلم پایان غیرمنتظره یک دوستی دیرینه را نشان می‌دهد. شخصیت «یادریک» با بازی «کالین فارل» از برخورد سرد دوستش «کولم» که هر دو در جزیره‌ای به نام دامینیک در ایرلند زندگی می‌کنند، به جنون می‌رسد و قطع‌شدن تدریجی انگشتان «کولم» شوک‌های دراماتیکی هستند که مک‌دونا در روند داستان تدریجاً به مخاطب القا می‌کند. اتفاقاً دلیل قطع‌شدن تدریجی این انگشتان برای تماشاجی مجهول و باورپذیر نیست، درواقع کارگردان یک موقعیت دراماتیک نو و متفاوت را از جهان تئاتر با خود به سینما آورده‌است که با توجه به بازی‌های خوب، فضاسازی و فیلم‌برداری شایان تحسینی که دارد، توانسته به تحقق و هماهنگی در لایه‌های زیرین دست یابد اما مشخص‌است که مک‌دونا با تجربیات ارزنده‌ای که دارد، در حال تبدیل‌شدن به یک کارگردان مهم و تأثیرگذار است.

«جشنواره فیلم ونیز» قدیمی‌ترین جشنواره سینمای جهان به‌شمار می‌آید و باید دید چه کسی امسال این شیر طلایی ۹۰ساله را از قفس آزاد خواهد کرد.

پیام‌های مشخصی را به ذهن مخاطب القا می‌کنند تا به فراوانی در مصرف دامن بزنند. مصرف، یک اسطوره است، یعنی جامعه ما به خود به‌مثابه جامعه مصرفی می‌اندیشد و از خود تحت عنوان جامعه مصرفی صحبت می‌کند که در چنین جوامعی تبلیغات، سرود پیروزی این اسطوره است.

در پایان بد نیست اشاره کنیم که متون پست‌مدرن و مخصوصاً نوشته‌های بودریار به پیچیدگی نسبت زیاد شهره‌اند. از همین رو ترجمه چنین آثاری باید با ظرافت بیشتری انجام شود تا درک مفاهیم برای خواننده را آسان‌تر کند. برگردان فارسی کتاب حاضر اگرچه به خودی خود ارزشمند است، اما برخی واژه‌ها در برگردان به فارسی به گونه‌ای انتخاب شده‌اند که گویی متعلق به کتاب نبوده و مخاطب برای هضم مفاهیم باید بارها متن را از نو بخواند.

برای خرید کتاب می‌توانید از طریق صفحه اینستاگرام برگ‌برگ اقدام کنید. با اسکن بارکد زیر به برگ‌برگ بپیوندید.

